

از همان زمان طلبگی به کتاب‌های دفاع مقدس علاقه‌مند بود و تلاش می‌کرد تا آن‌ها را در دسترس دیگران هم قرار دهد. می‌گوید: «از جوانی به تحصیلات حوزوی علاقه‌مند بودم، لذا عزم خودم را برای رسیدن به این کار جزم کردم.»

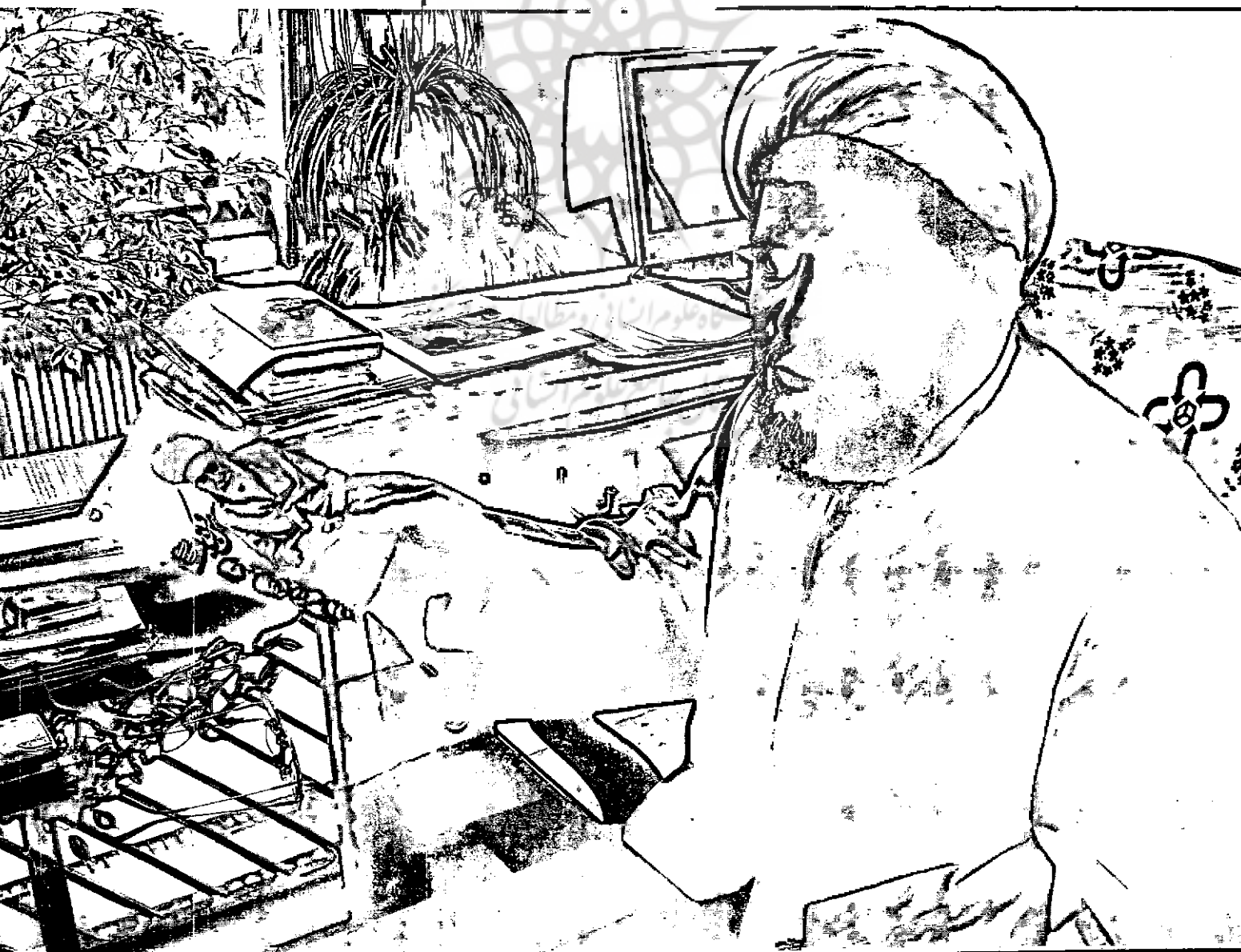
حجت‌الاسلام علی شیرازی در سال ۱۳۴۱ در شهرستان رفسنجان به دنیا آمده و می‌گوید یکی از کامل‌ترین کتاب‌خانه‌های حوزه ادبیات دفاع مقدس را در منزل خود دارد.

او می‌گوید: «منزل پدرم محل حشر و نشر روحانیان بود. من نیز از دوران کودکی در مجالس روضه‌خوانی و سخنرانی حضور داشتم. اعتقادم این است که دوران گذشته نقطه روشنی غیر از موضوع روحانیت ندارد. کسی که در آن زمان به سلک روحانیان در می‌آمد، زندان و شکنجه را نیز پیش رو داشت. حکومت اسلامی‌ای که اشخاص را ترغیب به روحانی‌شدن کند وجود نداشت، بنابراین کسی برای رسیدن به پست و مقام وارد جرگه روحانیت نمی‌شد. در سال ۱۳۵۶، هم‌زمان با جریان‌های آخر انقلاب، وارد حوزه علمیه قم شدم. تا آن‌که انقلاب اوج گرفت و در نهایت به پیروزی رسید. در سال ۱۳۵۹، که دستور تشکیل بسیج توسط بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران صادر شد، عضو بسیج شهرستان رفسنجان شدم. با شروع جنگ تحمیلی، ارتباطم

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام علی شیرازی

مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در نیروی دریایی شاه‌تاشدازان انقلاب اسلامی

انگیزه‌ها بسیار قوی بود...



با جنگ پیش‌تر شد. چون تدارک و آموزش نیروها را برعهده داشتیم، در شش‌ماه نخست جنگ توفیق حضور در جبهه‌ها را پیدا نکردم. ولی در فروردین ۱۳۶۰ برای نخستین بار به اهواز رفتم و از آن‌جا به خط پدافندی جاده ماه‌شهر - آبادان اعزام شدم. در آن زمان روحانیان و طلبه‌ها فقط در زمان عملیات در جنگ حضور داشتند؛ به این سبب که از دروس حوزوی خود عقب‌نمانند.

ما طلبه‌ها در اعزام‌های کوتاه‌مدت بیست روزه و یک‌ماهه به جبهه می‌رفتیم و پس از اتمام عملیات بازمی‌گشتیم. سال ۱۳۶۵ که امام فرمودند: «همه باید در جبهه‌ها حضور پیدا کنند»، انگیزه‌ای پیدا کردیم که در جبهه بمانیم. سردار سلیمانی، فرمانده لشکر ثارالله کرمان و مسؤول نمایندگی حضرت امام در سپاه پاسداران کرمان، به منزل من آمدند. از من خواستند تا به‌عنوان مسؤول تبلیغات لشکر مشغول به کار شوم. من هم به‌دنبال بهانه‌ای بودم که در جبهه بمانم. پس قبول کردم و از همان سال به‌عنوان مسؤول تبلیغات لشکر شروع به کار کردم. زمانی این لشکر نام سپاه هفتم به خود گرفت که من هم به‌عنوان معاونت فرهنگی به خدمت ادامه دادم. این هم توفیقی بود که توانستم تا بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در جبهه بمانم. پس از جنگ، سپاه فرصت زیادی به من نداد. در سال ۱۳۶۸ به‌عنوان مسؤول تبلیغات نیروی زمینی سپاه و در سال ۱۳۷۰ به‌عنوان جانشین نماینده ولی‌فقیه در نیروی دریایی مشغول به کار شدم. بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ فرصتی دست داد تا تحصیلات خود را تکمیل کنم. پس عازم قم شدم و علاوه بر فراگیری دروس حوزوی، موفق به اخذ مدرک کارشناسی از مؤسسه امام خمینی (ره) شدم. در سال ۱۳۸۰ دوباره به سپاه بازگشتم و با حکم مقام معظم رهبری به‌عنوان نماینده معظم‌له در نیروی دریایی سپاه مشغول به کار شدم.»

وی با روحانیان دیگر متفاوت است و این تفاوت به دغدغه اصلی او باز می‌گردد که آن گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی دفاع‌مقدس در میان مردم است. او می‌داند که آن کسی انتظار یاری داشته باشد سال‌هاست که برای گسترش این فرهنگ تلاش می‌کند. این پشتکار ستودنی ما را بر آن داشت تا تجربیات گران‌قدر او را در این زمینه بشنویم.

■ ■ ■

از چه زمانی به اهمیت خاطرات جبهه و جنگ پی بردید و برای حفظ و صیانت از آن چه شیوه‌ای را در پیش گرفتید؟

این دغدغه را از همان زمان حضور در جبهه داشتم. از همان سال‌های ۱۳۶۱ به بعد، برخی نکاتی را که خودم می‌دیدم یا دیگران عنوان می‌کردند، در دفترچه‌ای که همراهم بود، ثبت می‌کردم. بعداً هم خاطرات مهم و گفتنی را هر روز در سررسید سالیانه می‌نوشتیم. بیش‌ترین دغدغه ما ثبت خاطرات جنگ بود، برای همین منظور دو گروه مجزا را در لشکر ثارالله تشکیل دادیم که وظیفه‌شان ثبت و ضبط خاطرات و تصاویر فرماندهان و سربازان لشکر بود. این واقعیتی انکارناپذیر بود که در هر عملیات عده‌ای از این عزیزان شهید می‌شدند و حیف بود که خاطرات آن‌ها ثبت نشود. در واقع این‌که از فرماندهان بخواهیم مصاحبه کنند کار دشواری بود، ولی با همه سختی‌ها

کار را در حد مطلوب به انجام می‌رساندیم.

چه مشکلاتی بر سر راه وجود داشت که نمی‌توانستید آن‌گونه که شایسته است این خاطرات را ثبت کنید؟

فروتنی و اخلاص آن‌ها مشکل اساسی بر سر عدم انجام این کار بود، در آن زمان کسی در فکر مطرح کردن خود نبود. از آن موقع سال‌ها می‌گذرد و من افراد زیادی را در ذهنم ندارم، ولی معمولاً فرماندهان تیپ، معاونان و مسؤولان واحدها زیر بار مصاحبه کردن نمی‌رفتند. در اواخر جنگ ابلاغ شد که در کنار هر فرمانده نظامی، نیرویی باید وجود داشته باشد تا وقایع و سخنان را، همان‌گونه که هست، ثبت کند.

شهید باقری از معدود کسانی بود که بعد از توجیه فرماندهان رده بالای جنگ اهمیت زیادی برای فرماندهان دسته قائل بود چون می‌دانست که بیش‌ترین اتفاقات جنگ توسط دسته‌ها رقم می‌خورد. شما تا چه اندازه توانستید در ثبت خاطرات فرماندهان سطوح پایین و رزمندگان جنگ موفق شوید؟

همواره کسانی معرفی می‌شدند که خاطرات شنیدنی و قابل توجهی داشتند، ولی کمتر کسی زیر بار این کار می‌رفت. این کار نه دستور بود و نه مرسوم. تصور رزمندگان این بود که اگر آن‌ها را ثبت کنند، ریا شده و اخلاص آن از بین می‌رود. ما آنان را توجیه می‌کردیم، ولی همه زیر بار مصاحبه و بازگویی خاطرات خود نمی‌رفتند.

یکی از اهدافم این بود که می‌خواستیم تک‌های، ولو کوچک، از صدا و تصویر این عزیزان را در آرشیو لشکر داشته باشیم. شب عملیات کربلای پنج، ۴۸ نفر از فرماندهان و مسؤولان لشکر ثارالله در جلسه توجیه عملیات حضور داشتند که ۲۴ نفرشان در این عملیات شهید شدند. عکس‌ها و فیلم‌های آنان موجود است. در عملیات این اتفاق‌ها قابل پیش‌بینی بود. این عکس‌ها و فیلم‌ها، تنها چیزی است که از آنان برای خانواده‌هایشان به‌یادگار مانده است.

حتی آمار روحانیانی را که در عملیات کربلای پنج حضور داشتند، گرفتیم. پیش از عملیات همه را دعوت کردیم و همایش‌هایی برپا شد. روزنامه کیهان این خبر را منتشر کرد. ۲۵۰ نفر طلبه و روحانی در لشکر حضور داشتند. خواستیم که از همه فیلم و عکس تهیه شود تا حداقل توشه‌ای برای خانواده‌هایشان وجود داشته باشد، که اگر به درجه رفیع شهادت رسیدند این یادگاری را به آن‌ها تسلیم کنیم.

مثلاً یکی از شهدای لشکر، برادر خانم من بود. وقتی به شهادت رسید، هیچ فیلم و عکسی از او وجود نداشت. هر چه گشتیم نیافتیم. به رغم دستوری بودن این حرکت، باز هم عده‌ای حاضر به مصاحبه و ذکر خاطرات خود نشدند. این تکه فیلم‌ها و عکس‌هایی که گرفته می‌شد برای خانواده‌ها خیلی اهمیت داشت، ولی برای خود رزمنده‌ها مهم نبود. آن‌ها حتی نمی‌خواستند جنازه‌هایشان پیدا شود، چه برسد به این‌که نام‌شان در تاریخ بماند، ولی با همه این مشکلات، ما کارمان را در حد توان انجام می‌دادیم.

از همان زمان بود که با مطبوعات و حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی آشنا شدید؟

بله، ارتباط من از آن سال‌ها شکل گرفت. اولین مقاله من در روزنامه جمهوری اسلامی منتشر شد. موضوع آن در خصوص جبهه و خاطرات رزمندگان بود. پس از آن هم با حوزه هنری تعامل پیدا کردم. من وجه

مشترکی با سازمان تبلیغات اسلامی داشتم و آن حضور برادرم در این سازمان بود. ایشان دو سه ماهی مسؤول حوزه هنری بود تا این‌که این مهم به عهده آقای زم گذاشته و برادرم به سمت قائم‌مقام سازمان تبلیغات اسلامی منصوب شد. این یکی از انگیزه‌های ارتباط و تعامل من با حوزه هنری بود. با مرتضی سرهنگی و هدایت‌الله بهبودی از همان جا آشنا شدم. آن‌ها در یک کانکس در گوشه حوزه هنری فعالیت خود را آغاز کرده بودند.

پس از خاتمه جنگ مدتی به‌شکل رسمی و غیررسمی - از زمانی که در سپاه شاغل شدم - در شاخه روحانیان دفتر ادبیات دفاع مقدس به‌عنوان مسؤول مشغول به کار شدم.

سلسله برنامه‌های «شب‌های خاطره» هم از این‌جا آغاز شد؟

بله، من از همان اولین برنامه‌های «شب‌های خاطره» حضور داشتم. در سررسیده‌هایم تمام این مراسم را یادداشت‌برداری و به‌عنوان شب‌های خاطره در روزنامه جمهوری اسلامی چاپ می‌کردم. با ارتباطی که با دوستان در روزنامه پیدا کردم، این مطالب بازتاب خوبی به همراه داشت. با توجه به این‌که اصرار بسیار زیادی به خیلی از عزیزان می‌کردم که خاطرات‌شان را بنویسند تا منتشر کنیم، خودم در این کار کمی اهمال کردم و به غیر از چند نمونه‌ای که در مطبوعات چاپ شده، بقیه آن‌ها را هنوز منتشر نکرده‌ام.

الآن بعضی از دوستان بر چاپ همه خاطرات اصرار دارند و متأسفانه جبر زمان باعث می‌شود تا پس از گذشت سال‌ها خاطرات ما به فراموشی سپرده شود. بعضی وقت‌ها کتاب‌های خاطرات جنگ را که تازه چاپ شده است می‌خوانم. نکته‌ای که فهمیدم این بود که با این‌که به‌دنبال ثبت خاطرات جبهه و جنگ رزمندگان بوده و به این کار اصرار داشته‌ایم، خیلی از مسائلی که طرح شده را خاطره حساب نکرده‌ایم چون بسیاری از مسائل برای من و رزمندگان حالت عادی به خود گرفته بود و لزومی به بازگویی آن‌ها نمی‌دیدیم. خیلی از نکات، ریز را اصلاً یادداشت نمی‌کردیم. شاید بسیاری از خاطرات شیرین دوران دفاع مقدس این‌گونه از بین رفته باشد.

چرا بیش‌تر رزمندگان خاطرات خود را «خاطره» حساب نمی‌کردند و درصدد ثبت و ضبط آن نبودند؟

اتفاقات مهم آن زمان، شاید برای‌شان نوعی روزمرگی تلقی می‌شد. هنوز ارزش واقعی آن‌ها مشخص نشده بود. درست زمانی این حس در من تقویت شد که مرتضی سرهنگی تقریظ‌های مقام معظم رهبری بر کتاب‌های جبهه و جنگ را به من ارائه داد. هنوز هم آن‌ها را دارم و مطالعه می‌کنم. وقتی دست‌خط‌های معظم‌له به سرهنگی و بهبودی را دیدم، انگیزه‌ای برایم پیش آمد تا، در حد توانم، به تقویت این کارهت گمارم.

در سال ۱۳۸۶ نیروی دریایی سپاه به‌عنوان نمایندگی برتر بین کل نیروهای مسلح انتخاب شد. وقتی در پی علت آن برآمدند گفتیم که علت این کار، و قرار گرفتن در جایگاه نخست، مرهون هنر ما نیست، بلکه مرهون هنر مقام معظم رهبری است. ما فقط برخی از تدابیر ایشان را اجرا کرده‌ایم. اگر نیروهای مسلح و سایر ارگان‌ها تدابیر مقام معظم رهبری را اجرا کنند، ایران گلستان خواهد شد.

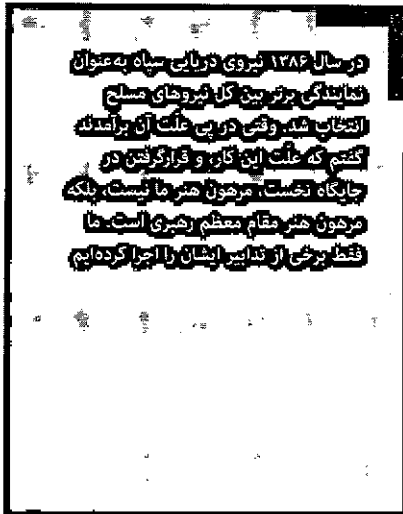
امروز مقام معظم رهبری را جانشین امام زمان (عج) و دستوره‌های ایشان را فرمان‌های حضرت ولی‌عصر (عج)

می‌دانیم، اگر می‌خواهید رمز موفقیت ما را بدانید، بدانید که عامل اصلی حرکت و موفقیت ما، تقریباً و تدابیر مقام معظم رهبری است.

در همین زمان بود که نشریه «کمان» توسط مرتضی سرهنگی و هدایت‌الله بهودی خلق و منتشر شد و شما هم با آن همکاری داشتید؟

در بحث انتشار مداوم نشریه «کمان» آقایان برای قطع نشدن انتشار آن به مبلغ یک میلیون تومان احتیاج داشتند که با تهیه وامی مشکل حل شد. کمان در آن زمان نشریه منحصربه‌فردی بود. می‌توانم با اطمینان کامل عنوان کنم که تمام آثار خلق شده در حوزه هنری منحصر به فردند.

من به این کتاب‌ها اعتقاد کامل پیدا کرده‌ام. نگاه مقام معظم رهبری به آقایان سرهنگی و بهودی این اعتقاد را در من کامل‌تر کرده است. البته ضعیفی وجود دارد که باید آن را برطرف کرد. به نظر من



می‌شود، اشکال وارد می‌دانم. باید برای این قبیل کارها بودجه قابل ملاحظه‌ای در نظر گرفته شود.

در دوران جنگ به فرمانده لشکر ثارالله گفتم اگر رقم پرداخت برای خرید یک فروند تانک را به ما بدهید برایمان کافی است. در سال ۱۳۸۱، وقتی مقام معظم رهبری برای بازدید به نیروی دریایی سپاه تشریف آوردند، به اتفاق سردار صفاری - فرمانده نیروی دریایی سپاه - به ایشان عرض کردم که اگر رقم حاصل از خرید یک فروند موشک را برای انجام کارهای فرهنگی در اختیارمان قرار بدهید برای ما پس است. این حرکت به خاطر نگاه غیرمستعارف بعضی‌ها به مقوله فرهنگ همچنان ادامه دارد. گرچه مقام معظم رهبری در آن روز این دستور را صادر فرمودند اما تا به امروز هنوز اجرایی نشده است.

بعضی از دوستان هم‌رزم‌تان معتقدند که تاریخ مصرف این کتاب‌ها گذشته است، در صورتی که برای نسل فعلی که وارد سپاه و ارتش می‌شوند مهم است که بدانند در جنگی که شرکت نداشته‌اند چه اتفاقاتی رخ داده و حفظ و نگهداری مثلاً یک تانک در میدان نبرد چه مقدار می‌تواند در پیروزی نقش داشته باشد. انتقال همه این موارد تنها با حفظ و ارائه میراث مکتوب امکان‌پذیر است. آیا شما با این اصل موافقت می‌کنید؟

الآن یکی از دغدغه‌های مقام معظم رهبری، انتقال خاطرات، گفته‌ها و ناگفته‌های جنگ به نسل‌های بعدی است. اگر کتابی مثل «دسته یک» نوشته می‌شود، نسل جدید باید بداند که وظایف یک دسته چه بوده است؟ و چگونه یک دسته، لشکری از دشمن را در یک روز معطل نگه می‌داشته تا نیروهای کمکی برسند.

شما هم معتقدید که باید نگرش فرماندهانی که در رأس این امور قرار گرفته‌اند، تغییر کند. آیا با تغییر دیدگاه این عزیزان، مشکلات این قبیل امور فرهنگی مرتفع خواهد شد؟

من بارها در گذشته، و حال به مسؤولان گفته‌ام که تا چنین اشکالی هست، شما باید در میدان حضور پیدا کنید. من هم این اشکالی را که بر شما دیده به همه ارگان‌های نظامی و انتظامی وارد می‌دانم. خود مقام معظم رهبری، به‌عنوان فرمانده کل قوا، صاحب تدبیرند و با مسائل، موشکافانه برخورد می‌کنند. ایشان می‌فرمایند اگر در جین سخنرانی من چند هزار نیرو جمع شده‌اند، نام کتابی را که مد نظر شماست خواهم برد، آن وقت شما این کتاب را در ورودی حسینیه فراهم می‌کنید و همه نیروها این کتاب را خواهند خرید. این نکته بسیار مهمی است. توزیع محصولات فرهنگی، مخصوصاً کتاب، باید از یک برنامه‌ریزی بسیار قوی برخوردار باشد. حوزه هنری باید در وسط میدان حضوری فعال داشته باشد.

به دوستان گفته‌ام که باید در توزیع کتاب خلاقیت داشته باشید. معتقدم اثر توزیع مناسب بیش از تداوم چاپ است. اگر شمارگان هزارتایی را به ده هزار رساندیم، خیلی خوب است، ولی اگر این ده هزار جلد کتاب را در انبار جا دادیم، چه سود؟

در نشست‌های عزیزان بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و چند تن از مسؤولان کنگره سرداران شهید، عنوان شد که باید «شورای تولید کتاب دفاع مقدس» راه‌اندازی شود، ولی آن‌که قاطعانه از راه‌اندازی شورای توزیع صحبت به میان آورد انتشارات سوره مهر بود. وقتی کتاب به دست مخاطب می‌رسد،

شناسایی عازم رفتن بودیم، یکی جلوتر از ما در حال بازگشت بود، ایست دادیم و از فرمان گذشت که از نیروهای دشمن است، ولی زمانی که نزدیک شد دیدیم مقام معظم رهبری است. ایشان در زمان بنی‌صدر، که اوج مظلومیت جنگ بود، در متن جنگ حضور داشتند و نماینده امام بودند. پس از خاتمه جنگ، ما این آیت‌ها را پررنگ نکرده‌ایم؛ نه سپاه، نه حوزه هنری، و نه بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

این ضعف عمده‌ای است که در تاریخ جنگ ما وجود دارد. در قضیه سوسنگرد عامل اصلی آغاز عملیات، شخص مقام معظم رهبری بودند. ایشان دستور حضرت امام را به واسطه آقای اشراقی گرفتند. این نامه توسط عباس سلیمی‌نمین به ارتش و سپاه ابلاغ و عملیات سوسنگرد انجام شد؛ باید به این موارد پرداخته شود.

پس از پایان جنگ و پذیرش قطع‌نامه، حضور مقام معظم رهبری در جبهه مسئله کم‌اهمیتی نبود. در کجای دنیا سراغ دارید که رئیس‌جمهور یک مملکت در جبهه‌های نبرد به‌طور کامل مستقر باشد و در آنجا بماند؟ رئیس‌جمهورها با تشریفات و حفاظت کامل به صورت نمادین وارد جبهه‌های نبرد می‌شوند و خیلی سریع آن‌جا را ترک می‌کنند. مقام معظم رهبری در روزهای پایانی هم در قرارگاه مرکزی و در جلسات شرکت فعال داشتند و رفت‌وآمدشان با یک دستگاه مینی‌بوس صورت می‌گرفت. در زمان جنگ هم ایشان یک‌بار، در حالی که کل لشکر مسلح بود، برای سخنرانی به لشکر ثارالله آمدند. آیا در تاریخ چنین چیزی سراغ دارید؟ این حضور برای کشاندن روحانیت و نیروهای مردمی به جبهه اثر خیلی مهمی داشت.

اگر این حضورها نبود دشمن در آخر جنگ دوباره به مرزهای ما حمله می‌کرد و تا اهواز هم پیش می‌آمد. بارها حضور ایشان را در لشکرها می‌دیدیم.

با این وزن و اعتباری که نشریه کمان داشت، چرا انتشار آن متوقف شد؟

این از مظلومیت جنگ است. هنوز جنگ در این کشور مظلوم واقع می‌شود، به‌قسمی که اگر یک کار ساده و کوچک انجام شود، گویا معجزه‌ای رخ داده است.

وقتی برای استمرار انتشار نشریه کمان مشترک می‌گرفتیم، به مظلومیت جنگ و تاریخ جنگ پی‌بردم. من به خیلی از بودجه‌هایی که مصرف



بزرگ‌ترین ضعف تاریخ جنگ، عدم انعکاس تدابیر حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری و نقش این دو بزرگوار در پیروزی‌های نظامی ایران است. در ابتدای جنگ که مقام معظم رهبری نماینده حضرت امام(ره) در شورای عالی دفاع بودند، حضوری مستمر در عملیات‌ها و شناسایی‌ها داشتند. «پرتوی از خورشید» کتابی است که من درخصوص زندگی مقام معظم رهبری نوشته و در آن خاطراتی را از برخی فرماندهان درخصوص ایشان آورده‌ام. یکی از این خاطرات را یکی از فرماندهان این گونه عنوان کرده است که: «وقتی برای یک عملیات گشتی -

خود نویسندگان همت بیش تری نسبت به خلق آثار بهتر از خود نشان می دهند و به عنوان نویسندگی در مقام شغل اصلی به پژوهش و تحقیق می پردازند، ولی اگر نتوانیم کتاب را به مخاطب برسانیم جایی از این چرخه را قطع کرده ایم. اجرای چنین حرکتی مستلزم داشتن چه ویژگی هایی است؟

وقتی تبلیغات هدفمند و مستمر باشد، هیچ محصولی در انبار باقی نخواهد ماند. متأسفانه به اندازه تبلیغات محصولاتی مثل چیپس یا ماکارونی، برای کتاب های دفاع مقدس تبلیغات نکرده ایم. مقام معظم رهبری می فرمایند: «برای صدور انقلاب اگر همین ها باشد کافی است.»

خوشبختانه در نیروی دریایی سپاه، فرماندهان به کار فرهنگی اعتقاد دارند. آیا تمام اعضای نیروهای مسلح ما یک جلد کتاب از عناوین کتاب های منتشر شده با موضوع جنگ و دفاع مقدس را خوانده اند؟ نمی خواهم بگویم صد جلد کتاب، ولی آیا یک جلد خوانده اند؟

این امکان هم وجود دارد، یعنی فرصت مطالعه برای برادران نیروهای مسلح هست، پس آن ها می توانند بخشی از اوقات فراغت خود را به مطالعه سپری کنند.

این کار در نیروی دریایی سپاه رواج یافته است. شب های خاطره را با آقایان سرهنگی، قدمی، بهرامی، جعفریان، فرزاد جمشیدی - مجری - و دوستان دیگر در جزایر ایرانی برگزار می کردیم.

امسال دستورالعملی ابلاغ کرده ایم که هر فرماندهی که خاطره ای از دوران پرشکوه دفاع مقدس دارد، باید خاطره هایش را بازگو کند. من معتقدم باید یک مجموعه برای انتشار آثار شفاهی راه اندازی شود. شاید افرادی مثل اسدی [فرمانده نیروی زمینی]، فضلی [فرمانده سپاه تهران] و سایر عزیزان نتوانند خاطرات شان را بنویسند، ولی اگر بخواهیم بازگو کنند، می گویند. حوزه هنری و بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس و سازمان هایی از این دست باید این کار را شروع کنند.

نباید به آثار مکتوب بسنده کنیم. برخی نویسندگان کتاب های دفاع مقدس تجربه حضور در جنگ را ندارند. خیلی از افرادی که در رده های پایین تر مدیریت جنگ حضور داشته اند، از بسیاری از فرماندهان رده بالاتر، خاطرات زیباتری را در سینه دارند. در نیروی دریایی سپاه دنبال این کارها گرفته شد. کتاب های دفاع مقدس برای فرماندهان به عنوان یک شاخص و اصل قرار گرفت؛ مخصوصاً کتاب «قصه فرماندهان». در برخی سخنرانی ها، و حتی در بعضی از همایش های نیروی دریایی، قسمت اعظم سخنرانی ها را به خاطرات شهیدان باکری، همت، خرازی، زین الدین، میثمی اختصاص دادیم.

می خواستیم بگویم سپاه یعنی این افراد، و نمی توان پیشینه آن ها را در نظر نگرفت. می خواستیم بگویم سپاه یعنی همت ها، خرازی ها، باکری ها و... همین موضوع را به خانواده پرسنل بسط دادیم. مقام معظم رهبری در خصوص کتاب «خاک های نرم کوشک» خاطرات شهید برونسی به نکته ای اشاره کردند. من هم این نکته را ملکه ذهنم کردم. در سخنرانی ها و مقالات به این نکته پرداختیم و در هر مراسمی آن را عنوان می کردیم و به عنوان عیدی و هدیه به خانواده ها می دادیم. به کمک حوزه هنری، این کتاب را به انضمام دو جلد کتاب دیگر در بسته بندی شیک برای ان ارسال کردند و ما این مجموعه ها را

هدا کردیم. می دانستیم پرداخت هزینه ها رقم قابل توجهی نخواهد شد.

این ها انگیزه های شد که افراد به سمت کتاب و کتاب خوانی تمایل پیدا بکنند. حتی یکی از همکاران عنوان کرد قصد مسافرت داشته اما پیش از آن چند صفحه از این کتاب را خوانده است. دیده بود قادر به کنار گذاشتن کتاب نیست و سپس تمام آن را خوانده و مسافرتش را لغو کرده بود. این کار نیاز به تبلیغات دارد. تاکنون چنددر صد و سیما برای کتاب، فضای تبلیغ مهیا کرده ایم؟ پیشنهاد من این است کتاب «من و کتاب» را تبلیغ کنید. وقتی این کتاب مخاطب خود را پیدا کرد، خود به خود صحنه پر از مخاطب می شود و کتاب های دیگر هم مشمول توجه قرار می گیرند. این کتاب برای تمام نیروهای روحانی و مربیان نیروی دریایی سپاه ارسال و به آن ها ابلاغ شده که این کتاب به صورت قطعه قطعه است، قبل از سخنرانی ها و کلاس های اخلاقی و اعتقادی یک قسمت از آن را برای حاضران بخوانند. از آن پس هم این کتاب در صبح گاه مشترک هر هفته نیرو خوانده می شود. در نشریه خودمان هم ستونی باز کرده ایم و هر هفته قسمتی از آن را چاپ می کنیم.

خب، این امکاناتی است که شما دارید، شاید بقیه چنین امکاناتی را در اختیار نداشته باشند.

بعضی از کارها هزینه ندارد. مثلاً اگر سیصد جلد کتاب را بخریم به ارزش سیصد هزار تومان، در بودجه نیرو تأثیری ندارد. وزارت ارشاد رقم قابل توجهی برای خرید کتاب هزینه می کند. برداشت من از سخنان مقام معظم رهبری این است که هر چند ایشان به موضوعات متعدد دیگر هم علاقه مند هستند، ولی کتاب های جبهه و جنگ را با دید ویژه ای نگاه می کنند. نهادهای فرهنگی نظامی و سایر سازمان ها و ادارات مرتبط با این موضوع، چنددر پیشبرد فرهنگ کتاب خوانی تلاش کرده اند؟ در اکثر میهمانی هایی که شام و ناهار در نظر گرفته می شود، می توان اندکی از هزینه های جانبی را کم و به هر کدام از مدعوین کتابی هدیه کرد. این کاری کاملاً ساده است که متأسفانه هیچ وقت به آن اهمیت نداده ایم.

با یکی از مسؤولان در خصوص کتاب و حوزه های مختلف آن صحبت می کردیم. او می گفت کتاب خانه های سراسر کشور درخواستی مبنی بر خرید کتاب های دفاع مقدس از ما ندارند. چون در این زمینه علاقه ای وجود ندارد. به نظر

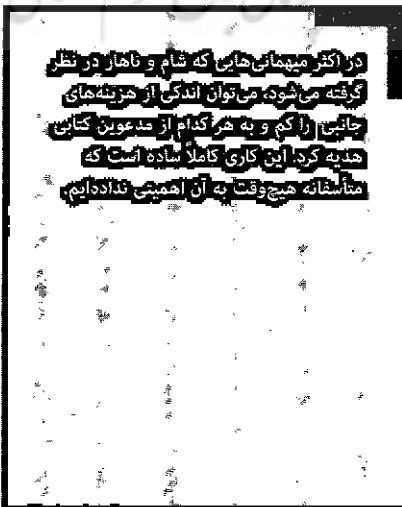
شما چگونه می توان ایجاد علاقه کرد؟

من هم در نیروی دریایی درخواستی مبنی بر خرید کتاب های دفاع مقدس ندارم؛ باید نیروی خودم را بناورم پای کارزار. وقتی شخصی پی گیری می کند که این کار بشود، بعضی از همکاران می گویند این کارها در شأن شما نیست، ولی وقتی خودم در متن کار قرار دارم، نیروهای تحت فرمان نیز ترغیب و تشویق می شوند. خود شخص وزیر ارشاد باید در بطن کار حضور داشته باشد. مقام معظم رهبری این شأن را برای خودشان قائل هستند که می فرمایند من نام فلان کتاب دفاع مقدس را می برم تا مردم تشویق به خرید آن بشوند. آیا وزیر و دیگران در جایگاهی بالاتر از مقام معظم رهبری قرار دارند؟! سال گذشته آقای سرهنگی خبر از راه اندازی کتاب خانه تخصصی دفاع مقدس داد و گفت شما حاضر هستید در جزیره تنب، یک کتاب خانه متمرکز نیروهای مسلح، فقط خاص موضوعات دفاع مقدس، احداث کنید تا تمام اسناد را برای مطالعه افراد در اختیاران بگذارم؟ در جلسه ای، وقتی با نحوه و جزئیات پیشنهاد ایشان آشنا شدم، گفتم کتاب خانه اش را احداث می کنیم ولی کتاب خوانش را از کجا پیدا کنیم؟ همچنین گفتم به جای این کار در هر سنگر کتاب خانه ای می زنیم. این کتاب ها در دسترس مستقیم سربازان و فرماندهان قرار دارد. اوقات فراغت و بیکاری شان را احتمال هست که به خواندن کتاب بگذرانند ولی اگر کتاب خانه را در جایی متمرکز کنیم، با خصوصیاتی که از ایرانیان سراغ دارم، بعید است برای گرفتن و خواندن کتاب تحرکی از خود نشان دهند. ما ایرانیان برای خرید یک کیلو پنیر به میدان شوش هم می رویم، ولی برای خرید کتاب یا خواندن آن حاضر نیستیم پنجاه متر آن طرف تر برویم.

کتاب خانه را به صورت سنگر به سنگر راه انداخته ایم، با هزینه ای کم تر ولی بازدهی بیشتر. این طرح در کل نیروی دریایی توسعه یافته است. دستور دادیم هر فرمانده باید پادگانش کتاب خانه ای را تجهیز کند؛ هنوز هم در حال توسعه و تکمیل این طرح هستیم. طی سه مرحله این کار صورت گرفت؛ در مرحله اول در جزایر، مرحله دوم در پادگان ها و در مرحله آخر در کل نیروی دریایی. ارسال کتاب ها هم در سه مرحله و هر مرحله ۵۰ جلد بود که فرستاده می شد. چون نمی خواهیم این کتاب ها را نگه داریم. مقرر شد که اگر کسی خواست، آن ها را برای مطالعه به بیرون هم ببرد. هدف این است که کتاب ها خوانده شود، حال به هر نحوی که ممکن است. اصل، ترویج فرهنگ کتاب خوانی است.

در کار روزنامه نگاری، کاری را شروع کرده ام و گام به گام در حال جلو رفتن هستم. مقالاتی را تنظیم و از موضوع هایی استفاده می کردم که مقام معظم رهبری آن ها را تقریظ فرموده اند. این کتاب ها منابع مقالات محسوب می شد. اکنون به مقاله بیستم رسیده ایم. هر هفته معرفی یک کتاب، قسمتی از خاطراتش. را هم درج می کنیم. معرفی کتاب، تقریظ های مقام معظم رهبری، و نکاتی که لازم است برای توضیح کتاب گفته شود. به هر آن چه پیش از این در مطبوعات و رسانه ها درج شده هم اهمیت می دهیم و از آن ها استفاده می کنیم. وقتی هر هفته کتابی را به طور کامل و مشروح معرفی می کنیم، حتما تعدادی آن را خواهند خواند؛ همین ها مبلغ خواهند شد و کتاب را برای خواندن به دیگران معرفی می کنند.

آقای سرهنگی هم طرحی دارند مبنی بر



جمع آوری یکصد نکته ناب و طلایی از یکصد کتاب، یعنی استفاده از قسمت‌هایی از هر کتاب که تأثیرگذارتر است. این یکصد مطلب در قالب یک کتاب منتشر می‌شود. آن وقت با خواندن یک جلد کتاب به یکصد جلد کتاب با آدرس مشروح دست می‌یابیم؛ چون مشخصات کامل کتاب در زیر هر صفحه درج می‌شود. شاید این هم طرح موفق‌تری باشد.

کتاب‌هایی که معرفی می‌کنیم باید در سطح کتاب‌های دبیرستان باشد. باید از این سطح به بالا کار کنیم. در تابستان و در منطقه شمال کشور می‌توانیم پربیننده‌ترین نمایشگاه کتاب را برگزار کنیم. چندین میلیون مسافر از اقصی نقاط ایران در فصل تابستان به شمال می‌آیند که برای‌شان پول اهمیت چندانی ندارد؛ یعنی از پس خرید کتاب برمی‌آیند. ولی این مثل یک نهضت فعال نیست. نمایشگاه «راهیان نور» نیز ایده مناسبی است که می‌توان در آن آثار جدید را در معرض دید مخاطب قرار داد.

کار باید از جایی شروع شود. بقیه به وقت مقتضی، الگوبرداری می‌کنند. زمانی که براساس فرمایش مقام معظم رهبری کار را در نیروی دریایی آغاز کردیم جاهای دیگر هیچ فعالیتی شروع نکرده بودند پس از حرکت ما بود که کار به جاهای دیگر کشیده شد.

تصور خیلی از ما این است که برخی از کارها هزینه‌بر است. حال اگر در این کشور برای چهار جلد کتاب تبلیغ بشود تا به تیراژ بالایی برسند، چه؟

یکی از کتاب‌خانه‌های دفاع مقدس را در منزل تشکیل داده‌ام. بیش‌تر کتاب‌های جنگ و دفاع مقدس را در منزل دارم. بعضی از آن‌ها را نخوانده‌ام، ولی همسر و فرزندانم خوانده‌اند. آن‌ها دیگران را هم به خواندن تشویق کرده‌اند. بعضی‌ها را هم به زور به کتاب خواندن وادار کرده‌ام؛ مثل راننده‌ام. گفته‌ام باید فلان کتاب را بخوانی و امتحان بدهی. این کار را باید این‌گونه رواج داد.

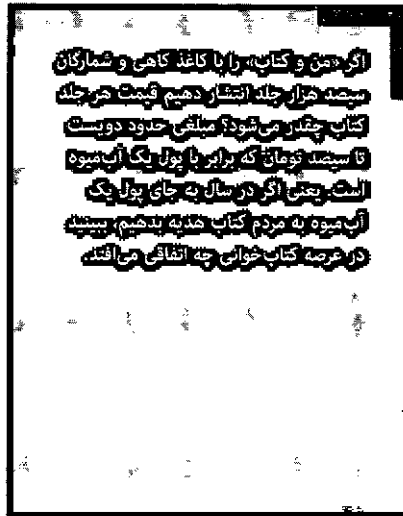
مقام معظم رهبری هم فرموده‌اند که مسابقات کتاب‌خوانی برگزار کنید و از رتبه‌آوردگان به نحو شایسته‌ای تقدیر به عمل آورید، حتی آن‌ها را در رسانه ملی به مردم بشناسانید و جوایز خوبی هم برای‌شان در نظر بگیرید. آن وقت ببینید وضعیت کتاب‌خوانی در کشور متحول می‌شود یا خیر؟

این بحث ترویج کتاب‌خوانی چند سالی است که مطرح و در سال جاری به فضای دفاع مقدس منضم شده است. ابتدا از کتاب‌های شهید مطهری شروع کردیم. از انتشارات صدرا درخواست می‌کردیم؛ آن‌ها هم کتاب‌های مورد نظر ما را چاپ می‌کردند و در اختیارمان قرار می‌دادند. این کتاب‌ها در تمام سطوح نیرو توزیع می‌شد.

پانزده عنوان از کتاب‌های شهید مطهری به این شیوه پخش شد. بعد، از تفسیر نمونه کمک گرفتیم. اکنون در حال توزیع جلد پنجم تفسیر نمونه هستیم. شمارگان ما از سه هزار تا به هفت هزار جلد رسیده است. کتاب‌ها را به‌رایگان توزیع می‌کنیم و امتحان می‌گیریم. به نفقات برگزیده هم جوایز شایانی هدیه می‌کنیم. سه شعار اصلی را در هر سال برای نیروی دریایی سپاه در نظر می‌گیریم. سه شعار امسال این‌ها هستند:

توسعه فرهنگ مطالعه، توسعه فرهنگ دفاع مقدس و توسعه روحیه شهادت‌طلبی.

این شعارها را به واحدهای مختلف ابلاغ و کارمان را شروع می‌کنیم.



مقام معظم رهبری در سفری که به شیراز داشتند فرمودند: کتاب «هم‌پای صاعقه» و «ضربت متقابل» باید در اختیار تک‌تک پاسداران و اعضای خانواده‌های آنان قرار بگیرد. وقتی این موضوع ابلاغ شد در همان روز از آن باخبر شدم. به لشکر ۲۷ زنگ زدم. می‌خواستم به دیگران ثابت کنم که می‌توانیم تدابیر مقام معظم رهبری را در زمان کوتاه‌تری اجرا کنیم. به مسئول سفارش سه هزار جلد از همان عنوان کتاب را دادیم. ولی برای تحویل خیلی اذیت شدیم و در نهایت پانصد جلد تحویل گرفتیم. این همان کتابی است که حوزه هنری انتشارات سوره مهر اخیراً آن را چاپ کرده است.

به هر حال مثل کتاب‌های شهید مطهری و تفسیر نمونه دستور توزیع آن را در کل نیرو صادر کردیم. البته کتاب سنگینی است و این دو جلد شامل ۱۸۰۰ صفحه می‌شود. جوایز آن را هم مشخص کرده‌ایم و خواندن آن را به مسابقه گذاشته‌ایم. البته هنوز هم توزیع کامل آن صورت نگرفته است، از یگان‌های تابعه خبر می‌رسد که با کمبود آن مواجه هستند. شاید خداوند این کار را طولانی کرده تا خالص خالص شود. اگر توفیق الهی نصیب شود کتاب «دسته یک» را هم سال بعد بین پرسنل نیرو توزیع خواهیم کرد. بعضی‌ها اعتقاد دارند مسابقات کتاب‌خوانی ایده خوبی نیست. چرا که یک نفر کتاب را می‌خواند و پاسخ سؤالات را به دیگران می‌رساند. آیا شما هم چنین عقیده‌ای دارید؟

این موضوع هم راه‌حل دارد. امتحانات کتاب‌خوانی ما حضوری است. همه نیروها در جلسه امتحان حاضر می‌شوند و امتحان می‌دهند. نمونه‌ای از برخی سؤالات امتحانی هم به همراه کتاب ارسال می‌شود. نوع سؤال و نحوه امتحان به گونه‌ای است که امتحان‌دهندگان باید کتاب را مطالعه کرده باشند.

یکی دیگر از کارها این بود که طی بخش‌نامه‌ای اعلام کردیم برای اهدای جوایز باید از کتاب استفاده کنند. ۵۰٪ جوایز هر مسابقه کتاب است. به این منظور کتاب‌فروشی‌هایی در نیروی دریایی تعبیه و از آن‌ها خواسته شد تا در میان کتاب‌های‌شان از کتب دفاع مقدس هم استفاده کنند. باید برندگان مسابقات مختلف، قدرت انتخاب کتاب داشته باشند، نه این‌که کتاب‌های اهدایی تحمیلی باشد. در دوره‌های «بصیرت» هم جوایز کامل ما کتاب است که به صورت انتخابی و توسط برندگان و برگزیدگان انتخاب می‌شود.

منظور از «دوره بصیرت» چیست؟

شش سال است که این دوره‌ها در نیروی دریایی پایه‌ریزی شده است و هر سال به‌طور منظم و مرتب برگزار می‌شوند. هر سال هم توسعه یافته است؛ دوره‌های آموزشی - اعتقادی برای پرسنل کادر، فرماندهان، رزمندگان، روحانیان و خانواده‌های آنان. مدت زمان این دوره‌ها یک‌هفته و در شهرهای قم و مشهد برگزار می‌شود. موضوع این دوره‌ها، تدریس مباحث اخلاقی و بینش سیاسی است. بحث زیارت هم جای خود را دارد. هدیه این دوره‌های بصیرت، کتاب است. شخصی می‌گفت این قدر برای خودمان مشغله درست کرده‌ایم که قدرت تفکر از ما سلب شده است. به او پاسخ دادم لازم نیست فکر کنیم؛ چون تمام فکرها را مقام معظم رهبری کرده است. کار ما فقط اجرای این منویات است. مقام معظم رهبری فرموده‌اند شمارگان بالا را با کاغذ کاهی منتشر کنید، هم شمارگان بالا است و هم قیمت آن ارزان‌تر می‌شود. پس می‌توانیم بین مخاطبان بیش‌تری توزیع کنیم.

اگر «من و کتاب» را با کاغذ کاهی و شمارگان سیصد هزار جلد انتشار دهیم قیمت هر جلد کتاب چقدر می‌شود؟ مبلغی حدود دویست تا سیصد تومان که برابر با پول یک آبمیوه است. یعنی اگر در سال به جای پول یک آبمیوه به مردم کتاب هدیه بدهیم، ببینید در عرصه کتاب‌خوانی چه اتفاقی می‌افتد.

وقتی پدری به سفر می‌رود اولین سوغاتی برای بچه‌هایش اسباب‌بازی است. اسباب‌بازی‌هایی که هنوز از راه نرسیده یا خراب می‌شوند یا می‌شکنند. هیچ پدری سوغاتی از سفر، کتاب نمی‌آورد. اگر اسباب‌بازی بیست هزار تومانی توسط بچه‌ها خراب شود، مهم نیست، ولی اگر ورق کتاب پانصد تومانی مجاله شود داد و هوار راه می‌اندازیم. گام‌هایی جزئی برداشته‌ایم. اگر با نیت ناسالم آن‌ها را خراب نکنیم، در درازمدت به توفیقات خوبی خواهیم رسید.

وظیفه ما در این زمان ترویج فرهنگ دوران دفاع مقدس به نسل‌های دوم و سوم است. الان داریم وارد دهه چهارم انقلاب می‌شویم. به نسلی که امام (ره) و جنگ را درک نکرده و ندیده چه داده‌ایم؟ اگر دستگاه‌های مرتبط ما بر مسئله توزیع کتاب متمرکز شوند، اندکی شرایط بهتر می‌شود. توزیع محصولات فرهنگی باید هم‌پای تولید سر و سامان پیدا کند. این مشکل را در عرصه مطبوعات کشور هم شاهدیم. چه اشکالی دارد که در کنار هر لبنیاتی، یک کتاب‌فروشی ایجاد شود؟ اعتقاد ما این است که روح از جسم برتر است، چون جسم از بین می‌رود ولی روح ابدی است. لبنیات‌فروشی، پیترزافروشی و غذیه‌فروشی مثل قارچ از زمین رویده‌اند. چه اشکالی دارد که در سوپر مارکت‌ها هم غرفه‌ای را به کتاب‌فروشی اختصاص دهیم.

آمار مراکز تبلیغاتی سازمان در سراسر کشور چندتااست؟ تیراژ کتاب‌های جنگی چندتااست؟ اگر برای هر دفتر انتشارات سازمان تبلیغات یک جلد کتاب بفرستیم، تیراژ دو هزارتایی هر کتاب تولیدی به‌سرعت به اتمام می‌رسد.

فرهنگ، مظلوم است. اگر در مقوله فرهنگ به مظلومیت برنجوریم و مشکلی نداشته باشیم که نمی‌رویم از مقام معظم رهبری وقت بگیریم. الان در نیروی دریایی سپاه، به لطف خدا، با تعاملی که با فرمانده نیرو داریم وضع از خیلی جاها بهتر است. به همه گفته‌ایم شما فکر کنید و طرح ارائه بدهید، مشکل بودجه‌ای نداریم.

اگر بودجه ما دو برابر هم بشود، برای طرح‌هایی که در نظر گرفته‌ایم، می‌توان برنامه‌ریزی کرد و کار را با طرح‌های نو پیش برد. ده‌ها طرح دیگر می‌توان اجرا کرد. می‌توانیم شب‌های خاطره را گسترده‌تر کنیم. خاطرات همین نیروهایی که امروز هستند، ولی ممکن است فردا حضور نداشته یا دور از دسترس باشند.

شاید گفتن این صحبت خیلی هم درست نباشد، ولی اختصاص بودجه به بخش فرهنگ، زشت‌ترین نگاه را به خود اختصاص داده است. شاید بعضی از اشکالات و کمبودها را بتوان از طریق تخصیص بودجه حل کرد، ولی من به آن اعتقاد کامل ندارم.

در زندگی و کار اگر بودجه هم نباشد می‌توان به مسیر رو به جلوی خود حرکت کرد و خیلی از کارها را می‌توان انجام داد. البته اگر بودجه کار فراهم شود و در اختیار باشد، کارها گسترده‌تر خواهد شد، تصمیم‌های بهتری می‌توان گرفت و برنامه‌ریزی بلندمدت‌تری را ترسیم کرد. اگر بدانیم بودجه کافی و مناسبی در اختیار داریم، از همین امروز برنامه‌ریزی می‌کنیم. سال گذشته از کل بودجه تخصیصی فرهنگی، تنها دو درصد برای کتاب‌های دفاع مقدس هزینه شد. مبلغ خیلی ناچیز است. اگر با برنامه کار کنیم، خیلی بهتر می‌شود جلو رفت.

در جنگ با معنویت به جلو حرکت کردیم و معنویت نیز از همین مسیرهای فرهنگی و اعتقادی حاصل می‌شود. سلاح ما بدون ایمان هیچ تأثیری ندارد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «ژول معنویت بعد سایر موارد». آیا این مسئله در نحوه تخصیص بودجه مدنظر قرار می‌گیرد؟

بعضی از دوستان برخلاف نظر شما معتقدند که با بودجه کم، کارهای آن‌چنانی را نمی‌توان انجام داد. برگزاری این همه جلسه و برپایی کمیته‌ها نیز ناشی از همین اصل است که آن‌ها درصددند با بودجه‌های کم، فرمایش‌های مقام معظم رهبری را عملی کنند، ولی متأسفانه راه به جایی نمی‌برند. به نظر شما این مشکل ناشی از چیست؟

من به این کار برخلاف عزیزان اعتقاد داشتم و در نیروی دریایی سپاه عملی شد. الحمدلله تاکنون نیز نتیجه‌بخش بوده است. جلسه‌های متعدد، زمان زیادی را از انسان تلف می‌کند و البته به‌خاطر تعدد سلیقه‌ها نتیجه‌های آن‌چنانی هم حاصل نمی‌شود. دوره مسئولیت من نوعی نیز تمام می‌شود و شخص جایگزین من هم به همین روال حرکت خود را ادامه می‌دهد؛ این اندیشه راه‌گشا نخواهد بود.

بسیاری از نهادها و سازمان‌ها از بودجه مناسبی برخوردارند که نمی‌دانند از آن به چه نحوی استفاده کنند. برخی از نهادها هم وجود دارند که برای اجرا و اتمام کارهای‌شان نیاز به بودجه دارند، ولی با فقدان آن مواجه‌اند. در این کشور کارهای به‌زمین‌مانده، در سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی، زیاد است.

با تفکر و تعمق می‌توان راه‌کارهای مناسبی برای پیشبرد حرکت‌های فرهنگی پیدا کرد. چرا اسلام می‌فرماید یک ساعت فکر کردن از هفتاد سال عبادت ارزشمندتر است؟ تازه ما فکر هم نکرده‌ایم، تدابیر مقام معظم رهبری را به کار گرفته‌ایم. حال اگر بنشینیم و از دل این تدابیر طرح‌های پخته دیگری را استخراج کنیم، چقدر جا برای کار کردن به‌وجود می‌آید. این همه ایشان می‌فرمایند فرهنگ، تهاجم فرهنگی، فرهنگ جبهه و غیره.

اگر امروز به ما بگویند جنگ نظامی شروع شده، به

چشم‌برهم‌زدنی کل نیروهای نظامی را برای دفاع از ارزش‌های انقلاب و اسلام آماده می‌کنیم، ولی وقتی مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «شبیخون فرهنگی»، یعنی چه؟

اگر جنگ آغاز شود از تمام وزارت‌خانه‌ها، مجلس و نهادها درخواست کمک‌های مادی و نظامی خواهیم کرد و تا این امر محقق نشود، آن‌ها را رها نمی‌کنیم. آیا اگر همین روش را برای گرفتن بودجه‌های فرهنگی و اجرای تدابیر مقام معظم رهبری به کار بگیریم، به نتیجه نخواهیم رسید؟

تهاجم فرهنگی را باور نکرده‌ایم. اگر امروز دست به کار نشویم، فردا آسیب ناشی از این اهمال را به‌خوبی خواهیم دید. مقام معظم رهبری بارها فرموده‌اند که: «مواظب باشید نظام از داخل تهی نشود»، یعنی فکر و ایمان نظام را می‌گیرند و نظام خالی از ارزش می‌شود. اضافه بر موضوع کسب بودجه این کار مقداری هم همت می‌خواهد.

وقتی امام قیام خود را شروع کردند و از حوزه علمیه قم برخاستند، تک و تنها بودند، ولی هیچ‌گاه خلی در عزم راسخ ایشان ایجاد نشد و در هیچ زمانی هم به این فکر نیفتادند که تنها هستند. حوزه هنری هم باید این گونه بیندیشد، استین همت را بالا بزند و وارد صحنه بشود، فکر کند تنهاست و این رسالت بر دوشش است. وقتی مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «درد بر بهبودی‌ها و سرهنگی‌ها»، ارزش کار برای من روشن می‌شود. یعنی وقتی ایشان از حوزه هنری حمایت می‌کنند، رسالت و تکلیف من سنگین‌تر می‌شود؛ باید همت کنند تا این مظلومیت را از چهره فرهنگی ما بزدایند.

به‌طور یقین هیچ‌گاه سرهنگی و بهبودی و حتی حوزه هنری، از ابتدا این شرایط را تصور نمی‌کردند که روزی رهبر انقلاب این گونه پشت حرکت‌های فرهنگی آنان بایستند و به آن‌ها دل‌گرمی بدهند. البته خود مقام معظم رهبری در زمینه‌های فرهنگی، هنری صاحب‌نظرند، ولی با بزرگواری به دیگران مسیر و خط را نشان می‌دهند.

وقتی حوزه علمیه قم در ماه مبارک رمضان و ایام محرم و صفر، روحانیان زیادی را به سراسر کشور می‌فرستد، چقدر کتاب‌های دفاع مقدس را همراه آن‌ها می‌فرستد؟ حوزه هنری برای این کار چقدر هزینه می‌کند؟

شما به‌گونه‌ای عنوان کردید که این حرکت فرهنگی بازتاب بسیار خوبی در بین پرسنل

نیروی دریایی سپاه و سایر نیروها گذاشته است. می‌خواهم نظر پایانی خودتان را، به‌عنوان کسی که سال‌ها در متن این حرکت تصمیم گرفته و اجرا کرده است، بدانیم.

برخی کارها را در متن توضیح دادم و به برخی دیگر به اشاره گذشتم. دوره‌های بصیرت که شروع شد و گسترش یافت، امروز در جایی قرار گرفته‌ایم که به غیر از ما هیچ نیروی مسلح و نظامی دیگری دوره‌های بصیرت سرباز و همسران پرسنل را برگزار نکرده است. برخی کارهای ما بر سایر نیروها تأثیر مستقیم گذاشته است. الآن سپاه به همه نیروهای تحت امر خود دستور داده که این کار را در همه مقاطع انجام دهند. اگر کار برای رضایت خداوند باشد حتماً تأثیر



تهاجم فرهنگی را باور نکرده‌ایم. اگر امروز دست به کار نشویم، فردا آسیب ناشی از این اهمال را به‌خوبی خواهیم دید. مقام معظم رهبری بارها فرموده‌اند که: «مواظب باشید نظام از داخل تهی نشود»، یعنی فکر و ایمان نظام را می‌گیرند و نظام خالی از ارزش می‌شود.

خودش را خواهد گذاشت. حال شاید کسانی به این کار اهمیت بدهند و آن را دنبال کنند و برخی دیگر هم به آن اهمیتی ندهند. به هر حال در آینده‌ای نزدیک به جایی خواهیم رسید که فرمایش‌ها و تدابیر مقام معظم رهبری کاملاً اجرایی خواهد شد و ما نیز باید در همه جا پی‌گیر این موارد باشیم. در خصوص دفاع مقدس، ما این کار را در تمام نیروهای مسلح شروع کرده‌ایم. کار را در استان‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس و مساجد شروع کرده‌ایم. تصمیمات خوبی اتخاذ شده است. نتیجه این کار به زودی نمایان خواهد شد. چون تدبیر مقام معظم رهبری را در کنار خود داریم. به یقین آینده‌ای روشن پیش روی ماست. دست‌مان را نیز به سوی همه دراز می‌کنیم تا با یاری هم و کمک خداوند، شاهد پیاده‌شدن این تدبیر بلند مقام ولایت باشیم. ■